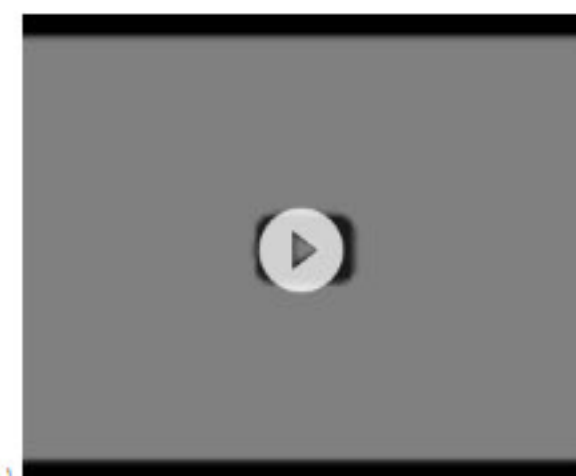




شنبه، آذر ۲۲، ۱۳۹۳

اعتراف توآب تشنه به خون به رابطه با جلاان وقاتلان قتل عام هاي دهه 60



به دنبال ا فتاي ، رابطه توآب تشنه به خون با بقد هار و وحشي سجد امامي ، وزارت اطلاعات دريك فرار به جلوي احمقانه ، به ارج مصداقي دستور داد تا به بخشي از روابط خود با دستگاہ جهنمي وکشتار آخوندي اعتراف کند تا بعد ها مدعي بشود که بله من گفته بودم . توآب تشنه بخون اعتراف کرده است که با هيئت قتل عام 30000 زنداني مجاهد ومبارر درسال 67 از جمله با آخوند مصطفي پورمحمدي يکي از جنايتکاران رژيم و عضو هيئت مرگ، رابطه داشته است ، يك بار با معاون پورمحمدي به نام عاممسين بلنديان (رئيس شوراي امنيت وزارت کشور در اوایل دهه 60 و معاون پورمحمدي در سازمان بازرسي کل کشور) درتوکيو صحبت کرده ، هم چنين با يکي ازاعلمان و قاتلان زندانيان سياسي دهه 60 به نام مجيد قدوسي که شخصا طناب دار را بر گردن زندانيان مي انداخته است تماس تلفني گرفته است .

اين اعترافات به وضوح نشان ميدهد که ا و همکاري با وزارت اطلاعات و هيئت مرگ را از همان دوران زندان شروع کرده و تاکنون نيز ادامه داده است . همين ارتباط و همکاري اطلاعاتي، با دزخيما ن ، منجر به نجات جان کتيف او شده است.

کينه حيواني و هيستريک او ، در رابطه با ساکنان ليبرتي و در راس آن آقاي مسعود رجوي نيز از همين جا ناشي ميشود . کينه او به مجاهدين و مخصوصا آقاي رجوي ، از نوع کينه مصطفي پورمحمدي و نيري و مجيد قدوسي ميباشد و به همين دليل نام "توآب تشنه به خون" به او داده شده است .

بخشي از سخنان او با يك تلويزيوني انيتر نتي وزارت اطلاعات به نام "رهايي" ، بدون درنظرگرفتن دجالگري هاي و توجييات او ، خواننده را بي نياز از هرگونه توجيه وتفسيري مي نمايد .

متن پياده شده صحبت ها

«براي اين که ما بتوانيم مقابله کنیم، برخورد کنیم و با بيگري کنیم، موضوع جنليت عليه بشریت در ايران را ببيند ما منتها دنبال اين بوديم که با يکي از اين جانيان درخارج کشور رو برو بشويم. باهائش مصاحبه کنیم. منتها دنبال پورمحمدي بوديم، چون من فکر ميکردم تنها پورمحمديه ، بخوان يکي از اعضاي کشتار که ممکنه سفر خارجي داشته باشد آتيم بخاطر مسوليتش در سازمان بازرسي کل کشور، تا منتها دنبالش بوديم وقي که ميخواست بره بيشکاف فيرفيزستان براي شرکت در اجلاس روساي سازمانهاي بازرسي کل کشور آسيا، ما او نو دنبال کرديم منتها، نو آخرين لحظات متوجه شديم ، ميتونيد رفتن به فيرفيزستان ساده نيست پرواز مستقيم نيست، بايد ميرفتيم مسکو بعد از آنجا پرواز کنیم ، برخي جاها خوب ويزا ميخواه ميدانيد همه مشکلات بود تا آخرين لحظه نتوانستيم . خوب باز هم از با نيفتانيم تا آخر او نو دنبال کرديم براي اينکه به زرين قرار بود سفر که، در اجلاس آسيا پاسيفک ، روساي سازمانهاي بازرسي کل کشور و با آنچه که مطرح ميشود به سوئدي(يك کلمه سوئدي) که البته خودش کلمه سوئديه، يعني به نوعي اونهائي که نظارت ميکننددر دستگاہ هاي دولتي، اينه که خوب بازم ما ماهها روي اين مساله کار کرديم که برويم زرين، ميتونيد رفتن به زرين يك کشوري که ميتونيد محافظه کاره . ازطرف ديگه بخواهند دونفر بروند از سوئد، برند اونجا براي اجلاس آسيا پاسيفک کل کشور درسطح آسيا که خوب اين يك مقداري شک برانگيزه ،که اين ها چکار دارند. براي جی ميخواهند بيان و ازطرف ديگه خوب بيگري موضوع ساده نبود ، رفتن اونجا هم ساده نبود با اين که ما موفق بودم، منتها درآخرين لحظات آن سونامي که در زرين آمد و زلزله اي در زرين موضوع رو ،کنفرانس روتخت الشجاع قرار داد،کنفرانس برگزار نشد و به تعويق افتاد. باز دوباره دنبال اين موضوع رفتيم تا اين که متوجه شديم کنفرانس با يك تاخير چندين ماهه برگزار ميشه که بالاخره ما با هر مصيبيتي بود رفتيم زرين منتهي تو اين فاصله يك تخييراتي صورت گرفت درسطح بين المللي اتفاق افتاد و آتيم موضوع تحريمهاي هسته اي بودکه بخشي ازمسولان نظام را هم در بر گرفته بود درسفرهاي خارجي اونها اخلا بوجود آورده بود و هم چنين موضوع پرونده حقوق بشر بود، ميتونيد در اتحاديه اروپا ليستي انتشار پيدا کرده بود، بخش زيادي از مقامات رژيم ورودشان به اروپا امريکا ممنوع شده بود، خوب همه اين ها دست به دست هم داد . ما رفتيم درآخرين لحظه متوجه شديم که پورمحمدي خودش شرکت نميکند و معاونش بلنديان، که اتفاقا عضو شوراي امنيت کشور هم بود، ما در آنجا متوجه شديم او به جايش آمده و رئيس شوراي امنيت و معاون امنيتي و معاون سياسي وامنيتي دردهه 60 بود، در آن سالهاي خونين بود، خوب خود او شرکت ميکند ، خوب ما فرصت را از دست نداديم و طي روزهاي که اجلاس اونجا برگزار ميشد تونستيم با خود بلنديان من خودم برخورد کردم، برخوردتي که ميخواستم با پورمحمدي بخوان عضو هيئت کشتار سال 67 بکلم با خود بلنديان کردم و اسامي او درفيلم هست که چه جوري از کشتار دفاع ميکند، چطوري از احکام صادره دفاع ميکند وخوب اين خودش سندي است از جنليات رژيم و کليد آنها توسط مقامات بلند پايه رژيم، درهرصورت مصاحبه درخود اون فيلم هست، با يك گورکني که گورکن شيرازي که توضيح ميدهد درمورد کشتارها ، توضيح ميدهد راجع به دفن سياهه جوانيهاي که خودش ميگه آدم از بين اين همه جوان شرم ميکرد و توضيحاتي که اون پير مرد ميده چه درارتباط با دفن جنازه ها درشيراز البته همينطور ، مصاحبه با آيت الله منتظري، مصاحبه اي که خود نيمه در ايران کرده بود با آيت الله منتظري همه، همه اينها درهرصورت تلاتسهايي که ما داشتيم ، من خودم تواتسم صحبت بکتم تلفني با مجيد قدوسي که يکي از دادياران زندان بود دردهه 60، مسول مصاحبه گرفتن بود و يکي از نزديکان لاجوردي بود، مسول آموزشگاہ اوين بود و ازطرف ديگر در جريان کشتار سال 67 مسول اعدام زندانيها بود درزندان اوين واحکام صادره را اجرا ميکرد من با او صحبت کردم، تلفني صحبت کردم، صحبت هائش در خود فيلم هست درهرصورت اين ها چيزهايي بود، تلاتسهايي بود که ما بخرج داديم الان هم قرار است که دوباره در لهستان به نمايش در آيد .»



Google 2+ يشنه اين مورد در

Posted by IRAN ZAMIN at ۱۴:۲۳

هيچ نظري موجود نيست:

ارسال يك نظر

پيام قديمي تر

صفحة اصلي

پيام جديدتر

اشتراک در : نظرات پيام (Atom)